

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ جولای ۲۰۲۱

"بازی جدید" امریکا با "عبدالله"!!

چهارشنبه- ۰۹ سرطان ۱۴۰۰- کابل: هرگاه به خبر ها و گزارشات دو روز اخیر با دقت گوش داده باشید، حتماً متوجه شده اید که "عبدالله عبدالمود" از زمان برگشتن تیم شان از مسافرت امریکا، در کل به علاوه آن که نسبت به "غنی احمدزی" حضور رسانه نی بیشتر داشته است، مواضع جدیدی را نیز بحث می نماید که نه از لحاظ وظیفه در حیطة صلاحیتش قرار دارد و نه هم قبل از مسافرت در آن زمینه سخنی بر دهان آورده بود. در یادداشت کنونی مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- این که "عبدالله عبدالمود" به محض رسیدن به کابل زودتر و سریعتر از رقیبش "غنی احمدزی" فعالیت هایش را از سر گیرد، هرچند می تواند ناشی از فشار کار بیشتر بر دوش "غنی احمدزی" (حین مسافرت، سن و سال و نداشتن فرصت استراحت باشد، مگر عدم حضور فعال بقیه افراد مربوط باند ارگ به خصوص "حمدالله محب" در دو روز اخیر و سانسور سخنانی امروز "غنی احمدزی" در جلسه رهبری "شورای عالی مصالحه ملی" و جلوگیری از پخش آن در رسانه ها ظاهراً به وسیله ارگ، همه دلالت بر آن دارند که در مسافرت روز های گذشته "زامداران افغانستان" نزد بادران شان در کاخ سفید، "غنی احمدزی" و باندش نه تنها مورد بازخواست قرار گرفته و پس گردنی خورده اند، بلکه به آنها دستور داده شده است تا من بعد زمام امور "صلح و جنگ" را به "عبدالمود" و تیمش بگذارند و بیش از این موی دماغ امریکا نکنند.

۲- بازی جدیدی را که امریکا از طریق "عبدالمود" با سرنوشت مردم افغانستان آغاز نموده، زمانی خود را نشان داد که "عبدالمود" از این طرف به حیث "رئیس شورای عالی مصالحه ملی" عازم امریکا گردید، مگر از آنطرف بعد از غسل در خندق پر از لجن و باتلاق ماشین جنگی امریکا، به حیث مدافع نظام برگشته، به جای تبلیغ برای صلح، دفاع از نظام را اولویت کاری خویش و تمام نیروهای امنیتی و مردم افغانستان اعلام داشته، حمایتش را از بسیج به اصطلاح همگانی علیه طالب اعلام داشت. اگر از عبارات چند پهلوی دیپلماتیک بگذریم، "عبدالمود" رسماً اعلام داشت که وظیفه دفاع از نظام را بر دوش دارد یعنی دیگر "رئیس شورای عالی مصالحه ملی" نه بلکه "رئیس و قومندان دفاع از نظام" می باشد.

۳- سپردن چنین مقامی به "عبدالمود" از جانب "بادارکل"، اگر از یک جانب اعتراف به بیکارگی، بی عرضگی و بی کفایتی شخص "غنی احمدزی" و باندش در دفاع از نظام مستعمراتی کابل می باشد و با این حرکت امریکائی ها پذیرفته

اند که انتخاب آنها بین جواسیس تکنوکرات و داعیان اسلام سیاسی با برتر دانستن اولی، درست نبوده و اینک آماده اند تا اشتباه شان را تصحیح نمایند، از طرف دیگر دو نکته مهم را نیز در خود حمل می نمایند:

الف- نقش "عبدالمود" در بسیج به اصطلاح خیزش های مردمی و در نتیجه تأثیر رهبری کننده وی بر آنها نسبت به "غنی احمدزی" بیشتر است. با در نظر داشت همین نکته امریکائی ها فعلاً به صورت غیر مستقیم زمام امور را به وی سپرده اند، تا از سقوط نظام جلوگیری نماید.

ب- نکته دوم که اهمیت آن از اولی بیشتر است، این است که امپریالیسم امریکا می خواهد بدین وسیله و با بالا بردن نقش "عبدالمود" جنگ با طالب را به همان نقطه ای برگرداند که قبل از تجاوزش بر افغانستان و اشغال خونبار کشور ما، بر آن نقطه پایان گذاشته بود. یعنی جنگ بین "اتحاد شمال" با "طالب".

این طرز دید به خاطری مهمتر و خطرناکتر است که در بطن خود جنگ داخلی قومی در راستای تجزیه افغانستان را حمل می نماید. یعنی افغانستان را در مسیری قرار می دهد که از دهه ها پیش "بایدن" آن را زیر عنوان "وحدت ناپذیری افغانستان" اعلام داشته بود.

هموطنان گرامی!

این را باید به خاطر بیاوریم که سالها قبل از امروز، آقای "موسوی" حین ارزیابی سیاست های امپریالیسم امریکا جهت ختم جنگها و معضلات بین المللی بر مبنای مطالعات تاریخی شان تذکر داده بودند که امپریالیسم در تاریخ ثابت ساخته است که وقتی توان سرکوب یک بحران را در خود نبیند با تمام قدرت می کوشد تا یا آن را به کشور های همجوارش نیز صادر نماید و یا هم مرکز بحران را تجزیه نماید. هرچند آن حکم در آن زمان بیشتر روند حرکت قضایا را در جنوب شرق آسیا در نظر داشت، مگر روند بحرانها و مقابله خلقهای خاور میانه علیه تجاوزات خونبار امپریالیسم امریکا، بادیگر صحت آن استنتاج ها را در اوضاع کنونی نیز به نمایش گذاشت.

هموطنان گرامی!

با حرکت از چنین برداشتی، باید فریاد زنیم که با تأسف جهانکشائی های شرق و غرب و هوس قدرت مزدوران شان، اینک کشور ما را در آستانه تجزیه و چند پارچگی قرار داده است. هرگاه ما خود را فرزندان راستین این مرز و بوم می دانیم که می دانیم می باید عزم ما را جزم نموده، برنامه ایجاد کمیته های دفاع از خود را از سطح محله و گذر آغاز و با گسترش افقی و عمودی آن از طریق شورائی، جلوائین برنامه های امپریالیستی را بگیریم. این را باید بپذیریم که زمان تنگ است و ما اینبار همزمان با رقابت با امپریالیسم امریکا و شرکاء و ارتجاع، در رقابت با زمان نیز قرار داریم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!